



دربارهٔ حقوق

دکتر نورعلی نوری

به کوشش

مصطفی دانش‌پژوه

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۹

نوری، نورعلی، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹.
درباره حقوق / نورعلی نوری، به کوشش مصطفی دانش پژوه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
سیزده، ۴۱۵ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲۰: گروه حقوق؛ ۵۲)
بها: ۴۴۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۴۰۱]-۴۰۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. حقوق. ۲. حقوق - فلسفه. ۳. حقوق - تاریخ. ۴. حقوق - فلسفه - تاریخ. ۵. دین و قانون. ۶. قانون و اخلاق.
۷. حقوق بشر. الف. دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵ - ، گردآورنده. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۱۳۹۹ ۴ د ۹ ن / K ۲۳۰
شماره کتابشناسی ملی
۵۵۲۶۹۵۶



درباره حقوق

مؤلف: نورعلی نوری

به کوشش: مصطفی دانش پژوه (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار علمی: دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰، ص. پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰

مرکز بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۶۳۵ - ۶

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۱۵ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر محصول بخشی از ترجمه‌های پراکنده مرحوم استاد دکتر نورعلی نوری برای گروه‌های حقوق و علوم سیاسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه است که به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی، مدیر وقت گروه حقوق، نگهداری و برای چاپ و انتشار در اختیار پژوهشگاه قرار گرفته و سپس به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه، عضو هیئت علمی گروه حقوق پژوهشگاه، تنظیم و صورتی کتاب‌مانند به خود گرفته و در نهایت با ویرایش حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر اسماعیل نعمت‌اللّٰهی، آماده چاپ و انتشار شده است. این کتاب می‌تواند به عنوان منبع پژوهشی برای استادان و دانشجویان رشته حقوق به شمار آید که سایر علاقه‌مندان به مطالعات حقوقی، به‌ویژه در عرصه فلسفه حقوق نیز می‌توانند از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مرحوم دکتر نورعلی نوری که زحمت اقتباس و ترجمه را پذیرفتند و نیز حجت‌الاسلام ابراهیمی که دست‌نوشته‌های مرحوم نوری را حفظ و نگهداری نموده و زحمت مقابله اولیه را عهده‌دار شدند و همچنین حجت‌الاسلام مصطفی دانش‌پژوه که در سامان رساندن و تنظیم و فصل‌بندی ترجمه‌های پراکنده، سعی وافری نمودند و حجت‌الاسلام دکتر اسماعیل نعمت‌اللّٰهی که زحمت ویرایش دقیق و امانت‌دارانه را تقبل کردند، تشکر و قدردانی نموده و برای مرحوم نورعلی نوری، رحمت و مغفرت و برای دیگر عزیزان، دوام توفیقات را از خداوند متعال مسئلت نماید.

فهرست مطالب

۱	مقدمه حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی
۵	سخن ویراستار
۷	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: تئوری عمومی حقوق
۱۳	۱. دیباچه (حکم حقوقی)
۱۴	الف) حقوق به عنوان حکم
۱۶	ب) احکام رسمی و غیر رسمی
۱۷	۱. احکام رسمی (قانون و رویه قضایی)
۱۷	اول: احکام قانونی
۱۸	دوم: احکام ناشی از رویه قضایی
۱۸	۲. احکام غیر رسمی (عرف و دکترین)
۱۹	اول: احکام تعقلی
۲۰	دوم: احکام عرفی
۲۱	ج) مجموعه‌های احکام حقوقی
۲۱	۱) ابواب حقوقی
۲۲	۲) نهادهای حقوقی
۲۴	۳) نظام‌های حقوقی
۲۵	۱. طبقه‌بندی براساس ماهیت
۲۵	۲. طبقه‌بندی براساس موقعیت جغرافیایی
۲۵	۳. طبقه‌بندی براساس افراد مشمول احکام حقوقی
۲۵	۴. طبقه‌بندی براساس زمانی که احکام حقوقی جاری هستند
۲۵	۵. طبقه‌بندی براساس منبعی که احکام حقوقی از آن استخراج شده‌اند

۲۶	۲. ویژگی‌های صورتی احکام حقوقی
۲۶	الف) شمول حکم حقوقی از نظر اشخاص
۲۸	ب) نفوذ احکام حقوقی در زمان
۲۸	ج) سلطه احکام حقوقی در مکان
۲۹	د) تضمین احکام حقوقی به وسیله دولت
۲۹	۱) نقش ضمانت اجرای احکام حقوقی
۲۹	۲) انواع مختلف ضمانت اجرا
۳۰	۳) شدت و ضعف ضمانت اجرا
۳۰	۳. درجه دقت احکام حقوقی
۳۱	الف) احکام قاطع و دقیق
۳۱	ب) احکام انعطاف‌پذیر
۳۳	ج) سبک بیان و زبان حقوقی
۳۳	۱) عبارات حقوقی
۳۳	۲) کلمات
۳۴	۴. تکنیک حقوقی و نقش‌های آن
۳۴	الف) مقدمه
۳۶	ب) تکنیک فورمالیسم
۳۸	ج) تکنیک ایدئالیسم
۴۱	د) تکنیک رئالیسم
۴۴	۵. مسئله تقسیم‌بندی در حقوق (دیدگاه انسان‌شناسی اجتماعی)
۴۴	الف) مقدمه
۴۶	ب) معیاری برای تقسیم‌بندی حقوق
۴۸	ج) تقسیم‌بندی براساس نیازها
۴۸	۱. فلسفه حقوق
۴۹	۲. حقوق اقتصادی
۴۹	۳. جامعه‌شناسی حقوقی
۴۹	۴. روش علم حقوق
۴۹	۵. قانون اختیارات و مسئولیت‌ها
۴۹	۶. قانون حکومت جهانی
۴۹	۷. قانون کار
۵۰	۸. قانون اداره امور کشور و جهان
۵۰	د) تقسیم‌بندی براساس تنازع منافع
۵۰	ه) تقسیم‌بندی براساس تربیت حقوق‌دان و نقش او
۵۰	۶. حقوق تطبیقی

۵۳	فصل دوم: فلسفه حقوق
۵۳	۷. موضوع فلسفه حقوق
۵۴	۸. ماهیت فلسفه حقوق
۵۴	الف) شناخت علمی و شناخت فلسفی
۵۶	ب) ارزیابی دیدگاه‌ها و معتقدات
۵۸	۹. مسائل فلسفه حقوق
۵۸	الف) دیدگاه‌های فلسفه حقوق
۵۸	۱) دیدگاه تحلیلی فلسفه حقوق
۵۹	۲) دیدگاه جامعه‌شناختی فلسفه حقوق
۵۹	۳) دیدگاه ارزشی فلسفه حقوق
۵۹	ب) حقوق، اخلاق‌گرایی و حقوق طبیعی
۶۲	۱۰. منابع فلسفی نظام‌های حقوقی عصر حاضر
۷۰	۱۱. سیاست حقوق
۷۵	فصل سوم: تاریخ حقوق و تاریخ فلسفه حقوق
۷۵	۱۲. حقوق اروپا در قرون وسطا و منابع این حقوق
۷۶	الف) منابع حقوق در قرون وسطا
۷۷	ب) حقوق روم
۷۸	ج) منابع حقوق روم
۸۱	۱۳. فلسفه حقوق در روم قدیم
۸۳	۱۴. فلسفه حقوق در یونان قدیم
۸۸	۱۵. فلسفه حقوق از دیدگاه تاریخ
۸۹	الف) دفاع از فلسفه حقوق
۹۰	۱) تفکر فلسفی وسیله‌ای اجتناب‌ناپذیر برای پیشبرد حقوق
۹۰	۲) فلسفه حقوق به قدری در جهان ریشه دوانده است که نمی‌توان «از شر آن خلاص شد»
۹۱	ب) دفاع از تاریخ
۹۱	۱) علم حقوق باید تاریخ‌گرا باشد
۹۱	۲) کلید تاریخ حقوق، فلسفه است
۹۲	۳) علم جزئی نسبت به همه چیز به مراتب جالب‌تر از علم کلی نسبت به یک موضوع است
۹۳	۱۶. تاریخچه‌ای از نظریه‌های حقوقی
۹۳	الف) دوران قدیم
۹۳	۱) افکار یونانی
۹۵	۲) افکار روم قدیم در زمینه فلسفه حقوق
۹۵	۳) حقوق یهود

۹۶	ب) قرون وسطا
۹۶	۱) سنت آگوستین
۹۷	۲) فلسفه حقوق اسکولاستیکها (مدرسی‌بان)
۹۷	ج) دوره رنسانس تا قرن هجدهم
۹۷	۱) ماکیاولی
۹۸	۲) حقوق طبیعی و نظریه قرارداد اجتماعی
۹۹	۳) تفوق قوه قضاییه و نقش آن در فلسفه حقوق
۱۰۰	۴) افول فلسفه حقوق طبیعی
۱۰۲	۵) ایدئالیسم و عدالت
۱۰۲	د) فلسفه حقوق قرون نوزدهم و بیستم
۱۰۲	۱) پوزیتیویسم تحلیلی
۱۰۴	۲) پوزیتیویسم تاریخی
۱۰۵	۳) دیدگاه‌های اقتصادی
۱۰۶	۴) فلسفه جامعه‌شناسی حقوق
۱۰۷	۵) تجدید حیات حقوق طبیعی
۱۱۱	ه) فلسفه حقوق محض
۱۱۲	۱۷. مکاتب جدید رئالیسم و جریان‌های مهم رئالیست قرن نوزدهم
۱۱۲	الف) مقدمه
۱۱۴	ب) فلسفه آنگلو ساکسون (نفع‌گرایی، داروین‌یسم اجتماعی)
۱۱۶	ج) فلسفه فرانسوی (پوزیتیویسم و سوسیولوژیسم)
۱۱۹	د) فلسفه‌های مبتنی بر احساس، عقیده، غریزه
۱۱۹	۱) مکتب احساس (عاطفه) گرایان
۱۲۰	۲) مکتب عقیده‌گرایی
۱۲۰	۳) مکتب عرفانی (مکتب برگسون)
۱۲۱	ه) تجدید حیات حقوق طبیعی
۱۲۳	۱) مفهوم وسیع حقوق طبیعی
۱۲۳	۲) حقوق طبیعی به معنای محدود کلمه
۱۲۴	۳) حقوق طبیعی متغیر و متحول
۱۲۵	و) تعارض بین مکاتب
۱۲۵	۱) پوزیتیویسم حقوقی
۱۲۵	۲) مکاتب حقوق طبیعی
۱۲۶	۳) پوزیتیویسم سوسیولوژیکی [جامعه‌شناختی]
۱۲۶	۴) نقد این مکاتب

۱۲۸	۱۸. وضع فلسفه حقوق در حال حاضر
۱۲۸	الف) مقدمه
۱۳۰	ب) رشد مکتب جامعه‌شناسی حقوق
۱۳۱	ج) آینده مکتب جامعه‌شناسی حقوق
۱۳۲	د) جامعه‌شناسی و حقوق
۱۳۳	۱۹. بحران فلسفه حقوق در غرب
۱۳۵	فصل چهارم: نظریه‌ها و مکاتب حقوقی
۱۳۶	۲۰. مفهوم حقوق
۱۳۹	الف) منشأ حکم
۱۳۹	ب) محتوای حکم
۱۴۱	ج) ضمانت اجرا
۱۴۱	د) هدف حکم به عنوان معیار تشخیص و تمایز قواعد حقوقی
۱۴۲	۲۱. جدل عصر حاضر درباره علم دستوری
۱۴۴	الف) تعریف علم حقوق
۱۴۷	ب) نتیجه‌گیری
۱۴۹	۲۲. علم انشائی یعنی مجموعه احکام
۱۴۹	بخش اول: وونت و گولپوت
۱۵۰	۲۳. مبنای حکم حقوقی (الف)
۱۵۱	۲۴. مبنای حکم حقوقی (ب)
۱۵۳	۲۵. مبنای احکام حقوقی (ج)
۱۵۳	الف) مبانی تعبدی
۱۵۴	۱) مکاتب مذهبی
۱۵۵	۲) مکاتب غیر مذهبی
۱۵۶	ب) مکاتب یونان و روم قدیم و مسیحیت
۱۵۶	۱) فلاسفه یونان
۱۵۸	۲) حقوق دانان روم
۱۵۹	۳) فقهای مسیحیت
۱۶۱	ج) گروسیوس و مکتب او
۱۶۵	د) مکتب تاریخی آلمان
۱۶۹	۲۶. حقوق طبیعی در یونان قدیم
۱۷۴	۲۷. نگاهی به حقوق طبیعی در سنت ارسطو و سن توما داکن
۱۷۵	الف) هدف حقوق و عدالت
۱۷۵	۱) عدالت از دیدگاه‌های مختلف

۱۷۷	۲) حقوق و عدالت از دیدگاه حقوق طبیعی سنتی
۱۷۸	ب) موضوع عدالت
۱۷۸	ج) عدالت و آرمان‌گرایی
۱۷۹	د) عدالت و قانون
۱۸۰	ه) حقوق و اخلاق
۱۸۱	۲۸. مکاتب حقوق پوزیتیویستی به معنای وسیع کلمه
۱۸۱	مقدمه کلی: مخالفت با عقل‌گرایی و طبیعت‌محوری (پوزیتیویسم به معنای وسیع کلمه)
۱۸۷	قسمت اول: فایده‌گرایی حقوقی و سیاسی بنتام و پیروان او
۱۸۷	۲۹. (یک) جرمی بنتام
۱۸۷	الف) تبیین دیدگاه
۱۹۱	ب) نقد دیدگاه بنتام
۱۹۲	۱) تحلیل بیان و حقوق در آثار بنتام
۱۹۳	۲) بیان [زبان] و واقعیت
۱۹۷	اول: حقوق آنچنان که باید باشد
۱۹۷	دوم: حقوق آنچنان که هست
۱۹۷	یک) ماهیت قانون موضوعه
۱۹۹	دو) تعریف حقوق
۱۹۹	سه) زبان (بیان یا گفتار) و تفسیر حقوقی
۲۰۰	ج) تأثیر بنتام بر فیلسوفان بعدی
۲۰۰	۳۰. (دو) جان آستین
۲۰۰	الف) مقدمه
۲۰۲	ب) جان آستین و فلسفه حقوق
۲۰۹	۳۱ و ۳۲. (سه و چهار) تامس هالند و جان‌گری
۲۰۹	الف) در مسیر تکامل فلسفه حقوق
۲۱۰	ب) دنباله‌روی
۲۱۲	ج) نوآوری‌ها
۲۱۵	۳۳. پنج) رودلف فن یرینگ
۲۱۵	الف) تبیین
۲۱۶	۱) حقوق عبارت از منافی است که دستگاه قضایی از آن حمایت می‌کند
۲۱۶	۲) دولت تنها منبع حقوق است
۲۱۷	ب) نقد و بررسی دیدگاه یرینگ
۲۱۸	۳۴. شش) هارت
۲۲۰	الف) روش و تعریف حقوق
۲۲۳	ب) منابع حقوق

۲۲۷	۳۵. نتیجه‌گیری
۲۳۱	قسمت دوم: مکاتب تاریخی حقوق
۲۳۱	۳۶. رابطه بین حقوق و زبان (بیان) در مکتب تاریخی آلمان
۲۳۲	الف) جایگاه و مقام مکتب تاریخی
۲۳۷	ب) علل و انگیزه‌ها
۲۴۸	ج) آثار و نتایج سیاسی و علمی حاصل از ارتباط بین حقوق و زبان
۲۵۳	۳۷. ساوینی و مکتب تاریخی آلمان
۲۵۶	۳۸. مکتب تاریخی آلمان (یا مکتب خیانت به عقل) و نقد آن
۲۵۶	الف) مفهوم فنی و تاریخی حقوق
۲۵۸	ب) مفهوم روح جامعه (روح خَلقی)
۲۵۹	ج) نقد این مکتب
۲۶۰	قسمت سوم: سایر مکاتب و نظریه‌ها
۲۶۰	۳۹. (یک) مکتب تعبدی (کلسن)
۲۶۷	۴۰. (دو) مکتب حقوق آزاد و واقع‌گرا (حقوق در ارتباط با جامعه)
۲۷۲	۴۱. (سه) دکترین‌های جامعه‌شناختی
۲۷۵	الف) دکترین لئون دوگی
۲۷۸	ب) نظریه اجتماعی حقوق
۲۸۲	ج) دیدگاه واقع‌گرایانه دولت در دکترین دوگی
۲۸۵	۴۲. (چهار) حکومت به عنوان عالی‌ترین منبع حقوق
۲۸۹	۴۳. (پنج) گرایش‌های جدید فلسفه حقوق (پدیدارشناسی، آگزیستانسیالیسم، ارزش‌محوری)
۲۹۱	۴۴. (شش) فلسفه حقوق در کشورهای مارکسیست لنینیست
۲۹۱	الف) مقدمه
۲۹۴	ب) فلسفه مارکسیستی حقوق و دولت
۳۰۱	۱) تصویر دیدگاه مارکسیستی فلسفه حقوق و دولت قبل از انقلاب اکتبر
۳۰۱	۲) حقوق و دولت در جامعه بورژوا
۳۰۴	۳) حقوق و دولت در مرحله انقلابی دولت مارکسیستی و در جامعه کمونیست
۳۰۸	ج) تحول دیدگاه فوق در جامعه روسیه شوروی
۳۱۲	۱) استالینیسیم و قانون اساسی ۱۹۳۶
۳۱۵	۲) حقوق و دولت بعد از مرگ استالین
۳۱۸	د) انتقاد از دیدگاه مارکسیستی دولت و حقوق
۳۲۳	فصل پنجم: حقوق و اخلاق
۳۲۳	۴۵. ارزش از نظر فلسفه اخلاق
۳۲۴	الف) فراگیری ارزش (حضور ارزش در کلیه ابعاد حیات انسانی)

۳۲۵	ب) تعبیرهایی از پدیده ارزشی
۳۲۷	ج) شرایط وحدت‌نگری در پدیده‌های ارزشی
۳۳۰	د) دیدگاه‌هایی در زمینه ارزش
۳۳۱	ه) ارزش از دیدگاه فلسفه جدید (قرن بیستم)
۳۳۳	و) ارزش از دیدگاه «اومانیزم»
۳۳۴	۴۶. حقوق و اخلاق
۳۳۴	الف) تبیین
۳۳۵	ب) تاریخچه تمایز بین حقوق و اخلاق
۳۳۷	ج) تمایز حقوق و اخلاق
۳۳۷	۴۷. حقوق و اخلاق از دیدگاه کانت
۳۴۱	۴۸. حقوق و عدالت
۳۴۱	الف) مقدمه: طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی نظریه‌های مربوط به عدالت
۳۴۱	ب) تبیین مطلب
۳۴۶	۴۹. ایدئال حقانیت (آرمان حق‌گرایی) / عدالت و رابطه آن با حقوق
۳۴۶	الف) حقانیت و عدالت
۳۴۷	۱) تاریخچه مفهوم حق و حقانیت و تعریف آن از نظر علمای علم اخلاق
۳۴۸	۲) تعریف عدالت از نظر حقوق‌دانان
۳۴۸	ب) قوانین غیر عادلانه
۳۴۸	۱) عدالت و منابع مختلف حقوق
۳۵۰	۲) تئوری مقاومت در مقابل قوانین غیر عادلانه
۳۵۰	۳) راه‌های قابل قبول مبارزه با قوانین غیر عادلانه
۳۵۱	فصل ششم: حقوق و مذهب
۳۵۱	۵۰. حقوق طبیعی در رابطه با خدا و مذهب
۳۵۲	پایه الهی حقوق طبیعی قبل از ارسطو
۳۵۳	۵۱. نقش مذهب در حقوق غرب
۳۵۳	الف) کتاب مذهبی به عنوان منبع حقوق
۳۵۵	ب) تفکیک حقوق از مذهب
۳۵۷	۵۲. مبنای مذهبی حقوق بشر
۳۵۷	الف) مذهب به عنوان اولین منبع حقوق
۳۵۸	ب) وظایف انسان از نظر مذاهب
۳۵۹	ج) گرایش‌های جدید مسیحیت در زمینه اشاعه حقوق بشر
۳۶۱	۵۳. مذهب و مبانی حقوق در اسلام
۳۶۱	الف) طرح مسئله

۳۶۲	ب) مبانی مذهبی حقوق اسلامی
۳۶۵	ج) مبانی مفهوم حقوق در اندیشه‌های اسلامی
۳۶۷	د) نتیجه‌گیری
۳۶۸	۵۴. مطالبی درباره فلسفه حقوق اسلام
۳۷۱	فصل هفتم: حقوق بشر
۳۷۱	۵۵. مفهوم و تاریخچه حقوق بشر
۳۷۱	الف) مفهوم
۳۷۲	ب) منشأ تاریخی
۳۷۳	۵۶. آزادی و برابری
۳۷۵	۵۷. آزادی یا برابری؟
۳۷۸	۵۸. دو مفهوم متناقض از آزادی
۳۷۸	الف) مفهوم آزادی منفی
۳۸۳	ب) مفهوم آزادی مثبت
۳۸۷	فصل هشتم: اعلام
۳۸۷	۵۹. افلاطون
۳۹۰	۶۰. ارسطو
۳۹۲	۶۱. مارکس
۳۹۴	۶۲ و ۶۳. نیچه و فروید
۳۹۴	الف) نیچه
۳۹۶	ب) دنباله‌روی فروید
۳۹۶	۶۴. ادموند هوسرل
۴۰۱	برخی از منابع ترجمه
۴۰۳	نمایه‌ها
۴۰۳	نمایه اعلام
۴۰۹	نمایه موضوعات

مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی

انقلاب اسلامی ایران موهبتی الهی بود که به صورت غیر منتظره و به دور از باور قدرت‌های حاکم بر شرق و غرب به رهبری امام خمینی علیه السلام بزرگ پرچمدار اسلام ناب محمدی در مرز و بوم ایران اسلامی تحقق یافت و فریاد عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی آن سراسر جهان را فراگرفت. این حرکت بنیادین برای وصول به اهداف عالی خویش همراه با شعار «لا تظلمون و لا تظلمون»، قبل از هر چیز نیازمند تحولی فرهنگی بود که تمامی علوم به‌ویژه علوم انسانی را که در نظام طاغوت به صورت اقتباسی از فرهنگ غربی و بیگانه از ارزش‌های اسلامی حاکم شده بود دگرگون ساخته و اسلام ناب محمدی را در این سرزمین استوار سازد.

از این رو رهبر کبیر انقلاب اسلامی، فرمانی در جهت تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و به دنبال آن فرمانی در جهت وحدت حوزه و دانشگاه و همکاری دانشگاهیان و حوزویان برای تدوین کتاب‌های درسی و کمک‌درسی صادر فرمودند و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این مسئولیت را به عهده دو تن از اعضای ممتاز یعنی حضرت آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله سیدمحسن خرازی گذاشتند و با سعی و تلاش این دو بزرگوار و بالاخص استاد فرزانه علامه مصباح، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس گردید و گروه‌های حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد، علوم تربیتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی تشکیل و جمعی از نخبگان حوزه و دانشگاه با اشراف علمی استاد مصباح، کتاب‌هایی ارزشمند در رشته‌های علمی فوق‌الذکر فراهم آوردند. در این میان، گروه حقوق و علوم سیاسی از اشراف علمی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز برخوردار بود و تألیفات و دستاوردهای نخستین این گروه با مقدمه معظم‌له در سازمان سمت به چاپ رسیده است. قابل توجه اینکه این حرکت آغازین در حوزه علمیه با پیچیدگی مبانی علوم انسانی و به‌ویژه فلسفه حقوق و بینش متفاوت اندیشه

اسلامی با آرای سکولار حاکم بر غرب مسیحی و شرق مارکسیستی و عدم تسلط محققان حوزوی به زبان لاتین و جز آن و عدم دسترسی به آرای اندیشمندان غرب و شرق، همراه بود که اقتضای آن را داشت که پاره‌ای از اساتید آشنا به زبان‌های خارجی و محتوای اندیشه سیاسی و حقوقی غربی و شرقی، به ترجمه تألیفات بزرگ‌ترین صاحب‌نظران غرب و شرق پرداخته و محققان حوزه و دانشگاه را در جریان فلسفه حقوق و سیاست و تحولات تاریخی آن قرار دهند. خوشبختانه در گروه حقوق و علوم سیاسی دو تن از برجسته‌ترین چهره‌های علمی دانشگاه تهران یعنی آقایان: پروفسور نورعلی نوری و استاد محمدحسین تمدن جهرمی دامن همت به کمر زده سنواتی طولانی گروه حقوق و علوم سیاسی را یاری دادند و متونی را به پیشنهاد گروه و احیاناً به انتخاب خود از منابع تألیفی چهره‌های برجسته حقوق و علوم سیاسی و دائرةالمعارف بریتانیکا، آمریکانا و... ترجمه و اوراق انبوهی را در اختیار گروه قرار دادند و یا در جمع محققان حوزه و دانشگاه تقریر نمودند و به اتقان نسبی تألیفات یادشده افزودند.

نگارنده این سطور که از آغاز تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در جمع محققان این گروه حضور داشته و از سال ۶۱ تا ۷۵ افتخار مدیریت گروه را نیز داشته، به حکم تعهد فردی و جمعی خود تمامی دست‌نویس‌های این دو بزرگوار را تبویب و تجلید نموده و در فرصت‌های مختلف از آنها در تألیفات فوق‌الذکر و جز آن بهره‌مند بوده‌ام.

ولی پس از مراجعه مکرر و حصول اطمینان از دقت نظر و حفظ امانت علمی این دو بزرگوار به این اندیشه برآمدم که ترجمه‌های یادشده را که از متون اصیل و کمیاب در ایران اسلامی فراهم آمده، حداقل با تنظیم و تبویب ویژه‌ای در اختیار محققان و دانش‌پژوهان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جز آن قرار گیرد تا جمع گسترده‌تری از محتوای این متون بهره‌مند شوند.

این ایده مورد قبول مسئولان پژوهشگاه قرار گرفت و مقرر شد تا دست‌نویس‌های اساتید، تایپ و غلط‌گیری شده و با دسته‌بندی و فهرست موضوعی متناسب در اختیار پژوهشگران این پژوهشگاه و دیگر مراکز تحقیقی قرار گیرد. و این کار بحمدالله با تلاش مدیران وقت گروه و به‌ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه به صورت مطلوبی انجام پذیرفت و اینجانب نیز که آشنایی بیشتری با دست‌نویس‌های پروفسور نوری و استاد تمدن داشتم در رفع ابهامات متن تا حد ممکن همراهی نمودم.

سرانجام با پیشنهاد مجدد حقیر و تشخیص صحیح گروه تصمیم بر این شد که آنچه از ترجمه‌های اساتید می‌تواند ترجمه کامل از متنی حقوقی و سیاسی به شمار می‌آید، به چاپ برسد

و نسخ بیشتری از آن منتشر گردد و دیگر دست‌نویس‌های این دو که دارای این ویژگی نیست در نسخ معدودی زیراکس و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

ناگفته نماند که ترجمه‌های استاد تمدن با استاد نوری در عین اتقان متن و صحت و حفظ امانت متناسب با ترجمه از جهاتی متفاوت است چه اینکه ترجمه‌های استاد نوری به صورت ترجمه آزاد ارائه شده و از کثرت و تنوع بیشتری برخوردار است، ولی ترجمه‌های استاد تمدن دقیق‌تر و برگردان واژه به واژه متن مؤلف است و در عین تنوع، احیاناً متن کاملی از نویسنده‌ای را دربر می‌گیرد، در حالی که در ترجمه‌های دکتر نوری، به جز یک مورد، چنین ترجمه کاملی وجود ندارد.

فی‌المثل استاد تمدن کتاب نظریه محض حقوق و دولت نوشته هانس کلسن اتریشی‌الاصول و آمریکایی‌الوطن را تقریباً از دو متن انگلیسی و فرانسوی به صورت کامل ترجمه کرد که در سال ۱۳۹۴ به وسیله «سمت» و «پژوهشگاه» چاپ و منتشر شد.

بی‌مناسبت نیست در این مقال اجمالی از بیوگرافی و شرح زندگی استاد فرزانه پروفیسور نورعلی نوری گزارش شود باشد که علاقه‌مندان و پژوهشگران ارجمند با اطمینان بیشتر از مطالعه این جزوات بهره‌مند و در آثار خویش بدان استناد نمایند.

* پروفیسور نوری متولد ۱۳۰۴ در شهرستان نائین روستای نیستانک، پس از دوره ابتدایی وارد دارالفنون تهران شد و دوره متوسطه را به پایان رسانید و لیسانس و فوق لیسانس را در دانشکده معقول و منقول دانشگاه الهیات تهران به انجام رسانیده و با احراز رتبه اول کنکور ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی و شیمی عازم فرانسه شد و سپس به اخذ درجه دکتری در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی، آمار و اقتصاد همت گماشت و همزمان با کار در سفارت ایران در فرانسه، سرپرست کل دانشجویان ایرانی در اروپا بود. وی در سال ۱۹۶۸م، از دانشگاه پاریس دکترای عالی بیمه دریافت نمود.

او پس از سنواتی متمادی از فرانسه به میهن اسلامی ایران مراجعت نمود و در دوران پیش از انقلاب سمت‌های مهم علمی و فنی بسیاری را مانند معاونت علمی وقت بیمه ایران و سازمان همکاری‌های منطقه (RCD)، محقق مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، قائم‌مقام فنی بیمه ایران، قائم‌مقام بیمه‌ای توسعه در کشورهای پاکستان، ترکیه، و ایران (اکوی فعلی) قائم‌مقام سازمان آسیایی، آفریقایی بیمه و استاد پول و بانکداری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) بوده و صدها مأموریت علمی، فرهنگی و دانشگاهی به کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه و پاکستان داشت.

* این بزرگوار در عین تسلط به زبان‌های مختلف انگلیسی و فرانسه و آلمانی و آشنایی با زبان عربی، استاد رسمی دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران بوده و در مراکز علمی متعدد دیگری نیز تدریس داشته‌اند و در کتاب *Who's Who* (دائرةالمعارف مشاهیر جهان) از ایشان یاد شده است. پروفیسور نوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ در جمع محققان حوزه و دانشگاه حضور یافت، از بدو تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با گروه حقوق و علوم سیاسی همکاری داشت و به پیشنهاد گروه و اصرار نگارنده مسئولیت ترجمه متونی متناسب با کارگروه را از زبان‌های مختلف عهده‌دار شد و طی سنواتی متمادی نوعاً هفته‌ای دست‌کم بیست صفحه ترجمه از آثار مشاهیر دانشمندان حقوق و سیاسی و... در اختیار محققان گروه قرار می‌داد. وی که در این دوران بازنشسته دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران با رتبهٔ استاد عالی بود همزمان با همکاری در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به تدریس در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، امام صادق علیه السلام، آزاد اسلامی، مدرسه عالی بازرگانی و... نیز اشتغال داشت و بیش از نیم قرن افتخار تدریس در دانشگاه تهران و جز آن را داشته است.

سرانجام، پروفیسور نوری که انسانی عاطفی، وفادار و دوست‌داشتنی بود در اسفندماه سال ۱۳۸۷ دچار ایست قلبی شد و جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. جنازهٔ وی از دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه تهران تشییع و در قطعه نویسندگان و هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

در پایان، برای این بزرگوار شادی روح و علو مقام اخروی را آرزومندم. امید آنکه محققان حوزه و دانشگاه ضمن بهره‌مندی از آثار این بزرگوار، همانند آنان عهد خویش را در تحقیق و تدریس سپری نموده و آثار گران‌بهایی مانند آنان از خود به یادگار گذارند و در صورت امکان ترجمه‌های ناقص آنان را با دریافت متن اصلی تکمیل نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد ابراهیمی

سخن ویراستار

ویرایش، و به عبارت بهتر دست‌کاری در، اثر نویسنده یا مترجمی بدون اذن وی کار پسندیده‌ای نیست و این نکته در مورد صاحب اثری که از دنیا رفته و نمی‌تواند این ویرایش‌ها و دست‌کاری‌ها را ببیند و رضایت یا نارضایی خود را اعلام دارد، مصداق بیشتری می‌یابد. به هر حال، کارهایی که از سر‌ضرورت در این اثر صورت گرفت، به شرح زیر است:

۱. هدف اصلی از واگذاری از ویرایش این اثر به اینجانب، بررسی و ضبط‌آعلام و برخی واژه‌های لاتین و انتقال آنها به پاورقی و نیز بررسی منابع و ارجاعات در پاورقی بود. با توجه به اینکه تقریباً هیچ‌یک از منابع مورد استفاده مرحوم نوری در دسترس اینجانب نبود و از آن مهم‌تر اینکه هم و غم ایشان ارائه یک ترجمه مفهومی بوده است و نه ترجمه تحت‌اللفظی، ویرایش متن از این لحاظ عمدتاً با مراجعه به منابع و سایت‌های اینترنتی صورت گرفت و موفقیت آن تا حدی است که منابع در اینترنت وجود داشت. از این‌رو، ضبط‌اندکی از اسامی و منابع با مشکل مواجه شده است.

۲. از آنجا که متن‌های باقیمانده از آن مرحوم، به صورت نسخه‌های دستنویس، و اغلب به صورت کپی، بود و تایپ این اثر هم از روی همان‌ها صورت گرفته بود، بدیهی است که اشتباهات و اشکالات زیادی در تایپ آنها واقع شده بود و وقت زیادی برای اصلاح آنها صرف شد. البته این کار صرفاً با توجه به متن تایپ‌شده انجام گرفت نه مقابله کل متن تایپ‌شده با نسخه‌های دستنویس، اما در مورد واژه‌ها و جملاتی که به ظاهر دچار مشکل بود، به متن دستنویس نیز مراجعه شد.

باید متذکر شد که چون ترجمه‌های موجود در جزوه‌های پراکنده‌ای قرار داشت و احياناً در برخی موارد جاافتادگی‌هایی وجود داشت، خواننده در مواردی با مطالب یا جملات مبهم یا

ناتمام مواجه می‌شود. حفظ امانت اقتضا می‌کند که این موارد به همان صورت آورده شود. برخی از این موارد با گذاشتن علامت سوالی در قلاب [؟] مشخص شده‌اند.

۳. پاورقی‌هایی برای توضیح افزوده شد و برای تمایز آنها از پاورقی‌های مترجم، دسته اول با نشانه [ن] و دسته دوم با نشانه [مترجم] در پاورقی مشخص شده‌اند.

به هر ترتیب، امید می‌رود که این ویرایش‌ها و دست‌کاری‌ها موجبات شادی روح مرحوم نوری را فراهم کند.

اسماعیل نعمت‌اللّٰهی

پیشگفتار

در مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین استاد ابراهیمی، به چگونگی شکل‌گیری این اثر و دیگر آثار مرحوم دکتر نوری، اشاره شد. اشاره به چند نکته دیگر نیز مفید به نظر می‌رسد:

۱. این آثار نه به عنوان ترجمه‌هایی کاملاً رسمی و فنی برای چاپ و انتشار، بلکه ترجمه‌ای سریع و عمدتاً مضمونی و صرفاً برای آشنایی فضیلائی حوزوی با آثار غربی بوده است، از این رو نباید به این ترجمه‌ها به چشم یک ترجمه رسمی و فنی نگریست، گرچه تبحر استاد در ترجمه، و اعتبار منابع موضوع ترجمه، انتشار آنها را برای استفاده محققان حقوق و علوم سیاسی موجه و مرجح می‌سازد.

۲. به دلیل فوق، دست‌نویست ترجمه‌های مذکور، هیچ‌گاه تایپ نشده و صرفاً کپی آن در اختیار اعضای گروه قرار می‌گرفت؛ که خوشبختانه ترجمه‌های مذکور درباره حقوق و سیاست به وسیله یکی از همکاران فعال هسته‌های اولیه و مدیر وقت گروه حقوق دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد ابراهیمی حفظ و از گزند مفقود شدن، مصون ماند.

۳. اصیل و دست اول بودن بیشتر متون اصلی موضوع ترجمه، شیوایی، رسایی و اتقان ترجمه‌ها، سودمند بودن ترجمه‌ها حتی برای غیر مخاطبین اصلی و اولیه آن در سال‌های ترجمه، و نیز زنده نگه داشتن یاد و خاطره مرحوم دکتر نوری از طریق زنده نگه داشتن یادگارهای ویژه‌اش برای پژوهشگاه، سبب شد که شورای علمی گروه حقوق و در نتیجه پژوهشگاه با پیشنهاد حجت‌الاسلام والمسلمین استاد ابراهیمی برای چاپ و انتشار ترجمه‌های مذکور، موافقت نماید.

۴. بدین منظور، دست‌نویست ترجمه‌ها، تایپ و سپس مقابله شد. مواردی که خواندن دست‌نویسته دشوار بود تا حد زیادی با کمک استاد ابراهیمی — که با خط مرحوم مترجم آشنا بود — کار به سرانجام می‌رسید. اما آنجا که مشکل ناخوانایی همچنان باقی می‌ماند و قرائن هم به روشنی آن کمک نمی‌کرد، بنحواظر اجتناب از تأخیر بیشتر به حذف غیر محلّ و نشان‌دار با علامت

چند نقطه (...) — بسنده شد و مراجعه به متون اصلی و تنقیح هرچه بهتر آن به عهده محققان پژوهشگاه، در فرصت‌های دیگر قرار گرفت.

۶. پس از اعمال اصلاحات اولیه، یک بار دیگر تمام متن هر دو بخش به دقت مطالعه شد و اصلاحات فراوان دیگری (بیشتر تصحیح اغلاط تایپی و اندکی هم ویرایش و پیرایش) انجام شد که وقت فراوانی از راقم این سطور را به خود اختصاص داد. در این مرحله احساس شد که هنوز این مجموعه، چندان قابل چاپ و انتشار نیست و نیازمند نوعی ویرایش است که این مهم بر عهده فاضل دقیق و نکته‌سنج، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین، آقای دکتر اسماعیل نعمت‌اللّٰهی قرار گرفت و با زحمت فراوانی که ایشان متقبل شدند، این بخش از این نوشته‌ها، آماده چاپ و نشر شد.

۷. همان‌گونه که گفته شد از آنجا که ترجمه‌های مذکور، تنها برای رفع نیازهای هسته‌های مطالعاتی پیش‌گفته بود و از ترجمه‌های پراکنده کوتاه یک‌صفحه‌ای تا ترجمه‌های بلند چندین‌ده‌صفحه‌ای را از منابع مختلفی که در دسترس مترجم محترم بوده؛ از دائرةالمعارف‌ها تا کتاب‌ها و مقالات تخصصی شامل می‌شود، مجموعه‌ای یک‌دست را که به همان صورت قابلیت چاپ و انتشار داشته باشد را فراهم نمی‌آورد. بنابراین برای آماده‌سازی آنها برای انتشار، پس از تایپ و مقابله اولیه، نخست با مروری اجمالی، مجموعه ترجمه‌ها به دو دسته ترجمه‌های حقوقی و ترجمه‌های سیاسی تحت دو عنوان «درباره حقوق» و «درباره سیاست» تقسیم شد و البته این به معنای صرفاً حقوقی یا صرفاً سیاسی بودن محتوای هر یک از دو دسته نبود، بلکه به این معنا بود که بیشتر ترجمه‌ها حقوقی یا سیاسی است یا صبغه حقوقی یا سیاسی آن غالب است.

در ضمن این مطالعه دقیق معلوم شد که ترجمه‌های سیاسی خود دو بخش است، بخشی که ترجمه‌های پراکنده و از منابع مختلف است و دیگری که ترجمه‌ای از یک کتاب خاص به نام «جوهر/ماهیت سیاست» می‌باشد. بدین جهت تصمیم گرفته شد که مجموعه این ترجمه‌ها با سه عنوان مستقل و در قالب سه کتاب منتشر گردد: ۱. درباره حقوق؛ ۲. درباره سیاست (کتاب حاضر)؛ ۳. جوهر/ماهیت سیاست.

۸. هرچند منطقی و مطلوب آن بود که ترجمه‌ها با متن مقابله می‌گشت، اما انجام این کار، به خاطر آنکه فقط برخی متون اصلی در کتابخانه پژوهشگاه، وجود داشت و فراهم آوردن همه متون فرصتی ویژه می‌طلبید، از این رو، با توجه به مقام علمی و تسلط مترجم محترم به دو زبان مبدأ و مقصد و محتوای مطالب، به ترجمه ایشان اعتماد شد و ترجمه‌های ایشان عیناً و با توجه به نکات پیش‌گفته در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. امید آنکه در فرصت‌های مناسب محققان

پژوهشگاه و دیگر علاقه‌مندان این نقص را جبران نمایند و احیاناً با تکمیل ترجمه پاره‌ای از متون که استاد نوری بخش گسترده‌ای از آن را ترجمه نموده متنی کامل ارائه نمایند؛

۹. نکته بسیار مهم دیگر آنکه محتوای این نوشته‌ها، دیدگاه نویسندگان غربی آنها است که ربطی به مترجم محترم، راقم این سطور و پژوهشگاه ندارد. بنابراین آنجا که نویسندگان متون اصلی و مبدأ درباره دین و مذهب سخن گفته‌اند یا از رابطه دین و مذهب با حقوق و سیاست حرف زده‌اند و حتی گاه آنجا که به تعریف و تبیین حقوق و سیاست پرداخته‌اند، مواردی وجود دارد که به شدت قابل ملاحظه، انتقاد، خدشه و تحشیه است که به دلیل کثرت موارد و قلت وقت از پرداختن به آن — به‌رغم قصد اولیه — انصراف حاصل شد و به یادآوری این نکته بسنده گشت که نگاه نویسندگان غربی به دین غالباً و معمولاً — و نه همه و همیشه — نگاهی حداقلی است، زیرا آنان دین و مذهب را نه به عنوان یک حقیقت متعالی شامل، بلکه به عنوان پدیده و نهادی اجتماعی و حداکثر به عنوان مجموعه عقاید و مناسکی سکولار و حداقلی، مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدیهی است چنین نگاهی به دین و مذهب، غیر از آنکه در کلیت خود نادرست است، به‌ویژه در رابطه با اسلام به‌هیچ‌وجه قابل تطبیق نیست. بنابراین خوانندگان محترم می‌بایست با فطانت و توجه به دیدگاه اسلامی خود نسبت به دین، مذهب، حقوق، سیاست و رابطه آنها با یکدیگر و با دیدگاهی انتقادی به مطالعه این بخش‌ها بپردازند.

امید آنکه انتشار این آثار، یادگاری سودمندی برای مترجم محترم، زنده‌یاد دکتر نورعلی نوری رحمته‌الله باشد که در حد و اندازه خود، نام او را زنده نگه دارد و مطالعه آن پژوهشگران عرصه حقوق و سیاست را مفید افتد.

معرفی کتاب حاضر

فصل اول: تئوری عمومی حقوقی

در دیباچه این فصل نخست از احکام حقوقی، انواع و ویژگی‌های آن، نهادها و نظام‌های حقوقی سخن گفته شده است و در ادامه از درجه دقت احکام حقوقی، تکنیک‌های حقوقی و نقش‌های مختلف آن، تقسیم‌بندی در حقوق و در نهایت حقوق تطبیقی بحث شده است.

فصل دوم: فلسفه حقوق

در این فصل پس از تبیین موضوع فلسفه، حقوق به تبیین ماهوی فلسفه حقوق، مسائل فلسفه حقوق و منابع فلسفی نظام‌های حقوقی عصر حاضر بحث شده است.

فصل سوم: تاریخ حقوق و تاریخ فلسفه حقوق

این فصل در آغاز به تاریخ اروپا و منابع آن در قرون وسطا پرداخته و در پی آن از فلسفه حقوق در یونان و روم باستان سخن گفته و فلسفه حقوق را از دیدگاه تاریخی مورد بحث قرار داده است و به دنبال آن تاریخچه‌ای از نظریه‌های حقوقی مختلف را تبیین می‌کند و جریان‌های مهم رئالیست قرن نوزدهم را شرح می‌دهد و در پایان به وضعیت کنونی فلسفه حقوق در حال حاضر و بحران فلسفه حقوق در غرب می‌پردازد.

فصل چهارم: نظریه‌ها و مکاتب حقوقی

در این فصل که فلسفی‌ترین و طولانی‌ترین فصل کتاب حاضر است. نخست مفهوم حقوق مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس مکتب حقوق طبیعی، به‌ویژه در سنت ارسطو و نقد آن، موضوع سخن واقع می‌شود. پس از آن مکاتب مختلف حقوق پوزیتیویستی به‌ویژه دیدگاه جرمی بنتام و پیروان او و نیز ساوین بی و مکتب تاریخی آلمان، مورد بحث قرار می‌گیرند و در نهایت سایر مکاتب حقوقی، به‌ویژه تئوری مارکسیستی - لنینستی حقوق تبیین و بررسی می‌شوند.

فصل پنجم: حقوق و اخلاق

در آغاز این فصل، محور اصلی اخلاق، یعنی «ارزش» از منظر فلسفه اخلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس رابطه حقوق و اخلاق - به‌طور کلی - تبیین می‌گردد و پس از آن، رابطه حقوق و اخلاق از دیدگاه کانت مورد بحث واقع می‌شود و با چند بحث ویژه دربارهٔ عدالت، این فصل به پایان می‌رسد.

فصل ششم: حقوق و مذهب

در این فصل پس از آنکه از رابطه حقوق طبیعی با خدا و مذهب سخن می‌گوید و به دنبال آن از نقش مذهب در حقوق غرب و نیز مبنای مذهبی حقوق بشر بحث می‌کند، به مذهب و مباحث حقوق در اسلام می‌پردازد و با سخنی دربارهٔ فلسفه حقوق اسلام، مطالب این فصل پایان می‌یابد. در خصوص محتوای این فصل، یک‌بار دیگر توجه خواننده محترم را به نکته شماره ۸ پیش‌گفته جلب می‌کند و او را در نقد مطالب این فصل، به منابعی که دیدگاه اصیل اسلامی را در این باره مطرح کرده‌اند ارجاع داده و از جمله به صفحات ۲۲۶ تا ۲۸۳ کتاب شناسه حقوق، که به تبیین رابطه حقوق و دین اختصاص یافته است، رهنمون می‌شود.

فصل هفتم: حقوق بشر

در این فصل پس از اشاره‌ای به تاریخچه شکل‌گیری حقوق بشر، دو موضوع مهم آزادی و مفاهیم مختلف آن و نیز برابری و رابطه آن دو را با یکدیگر، تبیین می‌کند.

فصل هشتم: اعلام

مترجم محترم، به اقتضای زمان ترجمه و خوانندگان اصلی آن، لازم دیده است که تنی چند از بزرگان اندیشه حقوقی و سیاسی را معرفی کند که حاصل این بخش از ترجمه‌ها تحت عنوان «اعلام» آخرین فصل این کتاب را تشکیل می‌دهد.

مصطفی دانش‌پژوه

فصل اول

تئوری عمومی حقوق

۱. دیباچه
۲. ویژگی‌های صوری احکام حقوقی
۳. درجه دقت احکام حقوقی
۴. تکنیک حقوقی و نقش‌های آن
۵. مسئله تقسیم‌بندی در حقوق (دیدگاه انسان‌شناسی اجتماعی)
۶. حقوق تطبیقی

۱. دیباچه^۱ (حکم حقوقی)

با اینکه بیشتر مطالب این کتاب مربوط به فلسفه حقوق است، ترجیح داده‌ایم آن را نظریه عمومی حقوق بنامیم. علت این امر این است که حقوق‌دانان معتقدند فلسفه حقوق بخشی از فلسفه است و به این مناسبت در صلاحیت فلاسفه است که قبل از هر چیز به جهان‌بینی توجه دارند. منظور ما غیر از منظور فلاسفه است و فقط می‌خواهیم به عنوان یک حقوق‌دان افکاری منظم در زمینه حیات حقوقی و سازمان‌های قضایی جوامع بشری در اختیار خوانندگان بگذاریم. نباید تصور رود که در این کتاب، اصول اساسی حقوق که معمولاً تحت عنوان حقوق طبیعی مطرح می‌شود، مورد بحث قرار خواهد گرفت. این اصول بیشتر به نظام اخلاقی که مورد نظر علمای اخلاق و مذهب‌گرایان است اهمیت می‌دهد؛ در صورتی که حقوق‌دان بدون اینکه نقش اخلاق را ندیده بگیرد، نظم جامعه را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد. منظور ما از این یادآوری این نیست که گرایش به طرف جامعه‌شناسی حقوقی داریم. جامعه‌شناسی به عنوان یک علم تبیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی است؛ در صورتی که حقوق وضع‌کننده احکام و قوانینی است که نظام جامعه بر آن متکی است.

۱. اقتباس از کتاب نظریه عمومی حقوق، تألیف پل روبیه:

بالأخره برخلاف سنت متداول به جای اینکه از حقوق عمومی الهام بگیریم، بیشتر از حقوق خصوصی استفاده خواهیم کرد که در مرحله بالاتری از تکامل قرار دارد و بعضی از نظرات نویسندگان سیاسی را مورد انتقاد قرار خواهیم داد.

مطلب دیگری که در این دیباچه به آن اشاره می‌شود اختلاف نظری است که بین حقوق دانان درباره تعریف حقوق، هدف و مبنای آن وجود دارد. با اینکه همگی در این بیان متفق‌القول‌اند که نقش حقوق ایجاد نظم اجتماعی و حل اختلافات بین افراد جامعه است، درباره سایر مطالب مربوط به علم حقوق گرایش‌های مختلفی وجود دارد. این گرایش‌ها را می‌توان به سه دسته مهم تقسیم کرد:

- مکتب فورمالیست‌ها^۱ که حقوق را ناشی از حاکمیت دولت می‌دانند و هر حکمی را که دولت وضع کرده باشد، بدون چون و چرا، ولو قابل اجرا نباشد و یا عملاً اجرا نشود، لازم‌الاتباع می‌دانند؛

- مکتب ایدئالیست‌ها^۲ که حقوق را با تعقل و طبیعت اشیا مرتبط می‌دانند و قانونی را که عقلانی نباشد، یعنی با اصولی که بر طبیعت اشیا حاکم است سازگار نباشد، کأن لم یکن تلقی می‌کنند؛

- و بالأخره مکتب رئالیست‌ها^۳ که حقوق را ناشی از نیازهای عملی جامعه می‌دانند و این نیازها به قدری قوی هستند که قوانین لازم برای تأمین آنها را به وجود آورند.

ما اغلب دیدگاه‌های حقوقی را در این کتاب بررسی می‌کنیم و به نظر ما دیدگاهی که ارزش‌ها را به صورتی که فلسفه جدید با آنها روبه‌رو می‌شود و فصل مشترکی از همه مکاتب را تشکیل می‌دهد [به صواب نزدیک‌تر است]؛ زیرا حقوق به مرور زمان به ارزش‌های مختلف اجتماعی نظیر تأمین قضایی و پیشرفت اجتماعی توجه داشته است و سیر تحولی و تکاملی این ارزش‌ها سبب شده است که مکاتب مختلف حقوقی به وجود آید و امیدوار است با توضیحاتی که در جای خود عرضه خواهد شد و در دنباله اشاره فوق‌الذکر خواهد بود، علت اصولی اختلاف نظر بین مکاتب مختلف روشن شود.

الف) حقوق به عنوان حکم

حکم حقوقی دستوری است که بر انسان (به عنوان فرد یک جامعه) حاکم است و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است. در اغلب زبان‌ها (از جمله زبان‌های فرانسه، آلمانی، انگلیسی،

1. formalists

2. idealists

3. realists

ایتالیایی و اسپانیایی) در کلمه حق، مفهوم قانون و قاعده و یا حکم و دستور نهفته است و گاهی با آنها مترادف است. با اینکه حقوق از اهم احکام عصر حاضر است، بدیهی است حکم منحصر به فرد نیست. احکام مذهبی، اخلاقی، عرفی و... نیز هر کدام در جامعه نقش مخصوص به خود را دارند.

مفهوم دیگر کلمه حق، امتیازی است که شخص برای خود قائل است و قانون از آن حمایت می‌کند. در زبان فرانسه برای تفکیک بین دو معنای حق، مفهوم اخیر را «حق شخصی» نام نهاده‌اند و «حق موضوعی» را برای مفهوم اول در نظر گرفته‌اند. با این ترتیب بحثی پیش می‌آید که کدام یک از این دو مفهوم حق باید اساس علم حقوق قرار گیرد.

فلاسفه فردگرا که انسان را اصل می‌دانند و به مجموعه‌ای از امکانات که کرامت انسان را تحقق می‌بخشد نگاه می‌کنند، این بحث را مطرح و با جدیت آن را دنبال کرده‌اند. اعلامیه حقوق بشر که با انقلاب فرانسه شکل گرفت بهترین مؤید دیدگاه این فلاسفه است. بسیاری از حقوق دانان به عنوان انتقاد خاطرنشان کرده‌اند که این اعلامیه بدون اینکه وظیفه یا مسئولیتی به عهده شهروندان بگذارد حقوق آنان را در جامعه تضمین کرده است و تنها چیزی که از افراد خواسته شده این است که حقوق دیگران را محترم بشمارند. مسلماً فردگرایان، یعنی طرفداران لیبرالیسم سیاسی چیزی جز این نخواسته‌اند و از دو مفهوم حق، «حق شخصی» را اصیل می‌دانند؛ زیرا به نظر آنان صاحب حق، فرد یعنی عضو جامعه است و نقش جامعه تضمین و تأمین حقوق افراد است.

ناگفته نماند که این نظام حقوقی که برای ما کاملاً طبیعی و پیش پا افتاده است، محصول افکار قرن هجدهم است و حتی حقوق روم هم که فردگراترین حقوق قبل از عصر حاضر است تا این حد لیبرال نبوده و مفهوم «حق شخصی» به نحوی که برای ما اصل مسلم تلقی می‌شود، برای حقوق دانان روم ملموس نبوده است. میشل ویله این موضوع را به خوبی در مقاله خود تحت عنوان «مفهوم حق شخصی در نظام حقوقی روم» (مجله تاریخ حقوق فرانسه و خارج، صفحات ۲۰۱ تا ۲۲۷) خاطرنشان کرده است.^۱

در جوامع بدوی و حتی سنتی (نظیر چین) برای افراد جامعه حقی وجود ندارد و برعکس بقای جامعه و حفظ آن در مقابل تهاجم‌های خارجی ایجاب می‌کند، وظیفه و مسئولیت هر فرد

1. Michel Villey, "L'Idée du droit Subjectif et les Systèmes Juridiques Romains", Revue Historique de Droit Français et étranger, 4e sér. 24-25 (1946-1947).

در ایفای نقش اجتماعی خود معلوم باشد. در کشورهای پیشرفته نیز چنین وضعی در دیرها، صومعه‌ها، تشکیلات نظامی و شبه‌نظامی که انضباط شدید در آنها حکم فرما است، به خوبی دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و دیگر نظام‌های دیکتاتوری نیز در همین خط فکری هستند و حتی آگوست کنت،^۱ بانی علم جامعه‌شناسی، برای هیچ‌کس حقی جز اینکه وظیفه خود را به درستی انجام دهد، قائل نیست. در این دیدگاه، «حق موضوعی» یعنی حکم اصالت دارد و حقوق بر پایه آن استوار است.

با اینکه این دو دیدگاه را در مقابل هم قرار دادیم، باید خاطرنشان کرد که در حقوق جامعه‌های عصر حاضر حق و حکم یعنی حق شخصی و حق موضوعی توأمانند و مثلاً وارثی که حق ارث بردن دارد، موظف است دیون مورث را بپردازد و بیمه‌شده‌ای که حق مطالبه خسارت دارد، باید حق بیمه خود را ادا کند و نمی‌توان موردی در حقوق پیدا کرد که در مقابل حقی وظیفه‌ای بر عهده صاحب حق نباشد؛ حتی حق مالکیت که در نظام سرمایه‌داری اهم حقوق تلقی می‌شود، مستلزم وظایف و مسئولیت‌هایی است که به موجب احکام حقوقی بر عهده مالک است. از آنچه گفته شد اصالت حکم را که عامل برقراری تعادل بین امتیازات و تعهدات است نتیجه می‌گیریم.^۲

ب) احکام رسمی و غیر رسمی

پس از اینکه حقوق را مجموعه احکام حقوقی تلقی کردیم، این سؤال مطرح می‌شود که این احکام از کجا ناشی می‌شود و به وسیله چه قدرتی اعمال می‌شود. اولین دسته از احکام، احکام رسمی است، یعنی احکامی که رسماً از طرف دولت وضع شده، و همین دولت که واضع آنها است ضامن اجرای آنها هم هست. بدیهی است دولت نمی‌تواند همه نیازهای حقوقی را پیش‌بینی و برای آنها احکامی وضع نماید و خواهی نخواهی احکامی غیر رسمی که از طرف دولت وضع نشده است در جامعه به وجود می‌آید و باید از خود پرسیم این احکام از کجا سرچشمه می‌گیرند و قدرتی که از آنها حمایت می‌کند، کدام است. در همین مبحث خواهیم دید که این احکام یا از آداب و رسومی ناشی می‌شود که جامعه پشتیبان آن است و یا از استنتاج

1. Auguste Comte (1798-1857).

۲. این نتیجه‌گیری تا حدودی سرسری است و با این صغری و کبری محرز نیست. شاید بشود با مقدمه‌چینی مناسب‌تری به همین نتیجه رسید.